



از امام باقر علیه السلام نقل شده است: روزی حضرت علی علیه السلام با جماعتی به سرزمین کربلا رسید. آنگاه فرمود:

«قُتِلَ فِيهَا مَائَتًا نَبِيًّا وَ مَائَتًا سَبَطَ كُلُّهُمْ شَهِدَاءَ. وَ مَنَاحَ رِكَابٍ وَ مَصَارِعَ عَشَاقٍ شَهِدَاءَ. لَا يَسْبِقُهُمْ مَنْ كَانَ قَبْلَهُمْ؛ وَ لَا يَلْحَقُهُمْ مَنْ بَعْدَهُمْ؛

در اینجا دویست پیامبر و دویست نواذ پیامبر به قتل رسیده‌اند که همه آنها شهید هستند. اینجا محل فرود آمدن سواران و قتلگاه عاشقان است، شهیدانی که نه پیشینیان بر آنان سبقت جستند و نه آیندگان.

«بصارالعین فی انصارالحسین، ص ۲۲؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۸»

• ویژگیهای خاص شهدای کربلا چیست؟

• فایده بررسی ویژگیهای شهدای کربلا

○ پی بردن به هدف داستان کربلا

○ دلیل بیان چنین کلامی از زبان امیرالمومنین (ع) چه بوده و وظیفه ما در قبال شهدای کربلا چیست؟

• تعریف عشق و کار عاشقانه چیست؟

○ مقایسه عمل عاشقانه و عاقلانه

• ارزش عمل وابسته به پشتوانه و انگیزه آن است

• جایگاه و اهمیت عمل در فرهنگ اسلامی

• اهمیت و ارزش فعالیت و پویایی در کلام الهی

○ وَ أَنْ تُنْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (سوره نجم آیه ۳۹)

○ درجات و مقامات انسان در گروه عمل و فعالیت او

▪ وَ لِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَ مَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (سوره انعام آیه ۱۳۲)

• اختلاف اعمال سبب اختلاف درجات صاحبان اعمال است

○ متعلق لفظ «کل» ضمیری است که به دو طایفه جن و انس برمی‌گردد و در آیه حذف شده، و معنای آیه این

است که: برای هر یک از دو طایفه جن و انس درجاتی است از عمل، چون اعمال مختلف است و اختلاف

اعمال باعث اختلاف درجات صاحبان اعمال است، و خداوند از آنچه که این دو طایفه می‌کنند غافل نیست.

• حرکت و پویایی در نظر حکما

○ تعریف موجود استکمالی در نظام خلفت

○ کمال یک موجود استکمالی چیست؟

▪ کمال به معنی تبدیل قوه به فعل (حرکت) است

▪ اینجا سه تعریف برای حرکت بیان می‌شود.

• تعریف اول: حرکت عبارت است از خروج تدریجی شیئی از قوه به فعل.

• تعریف دوم: حرکت عبارت است از تغییر تدریجی شیئی

• تعریف سوم: حرکت، کمال اول است برای شیئی بالقوه، از آن جهت که بالقوه است.

• حرکت انسان در یک دسته بندی کلی به دو دسته تقسیم میشود

○ حرکت جبری

○ حرکت اختیاری



▪ ارزش انسان بواسطه اختیار در حرکت و عمل است

• جایگاه و اهمیت انگیزه در حرکت و عمل

○ تقلید بدون تفکر و کورکورانه

○ معرفت و تفکر پشتوانه عمل صحیح (تقلید عاقلانه)

○ حرکت و عمل بر اساس احساسات مقطعی

• دو انگیزه و سرمایه درونی انسان و تفاوت طولی آنها

▪ اشاره به تفاوت تفاوت طولی و عرضی

○ عقل و دل دو سرمایه الهی

• انگیزه حرکت انسان بر اساس

○ منفعت بر اساس امید

○ منفعت بر اساس خوف

○ منفعت بر اساس محبت و عشق

• تعریف عشق چیست؟

○ عشق و محبت شدید قلبی

• قرآن کریم و تفسیر معنای عشق در آیه ۱۶۵ سوره مبارکه بقره

○ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ

▪ برخی از مردم (نادان) غیر خدا را همانند خدا گیرند و چنان که خدا را بایست دوست داشت با آنها دوستی ورزند، لیکن آنها که

اهل ایمانند کمال محبت و دوستی را فقط به خدا مخصوص دارند. و اگر فرقه مشرکین ستمکار وقتی که عذاب خدا را مشاهده کنند

بینند که قدرت خاص خدا است و عذاب خدا بسیار سخت است (از شرک خود سخت پشیمان شوند).

○ کلمه «انداد» جمع کلمه (ند) است که هم از نظر وزن و هم از نظر معنا نظیر کلمه (مثل) است.

○ حقیقی بودن معنای محبت درباره خداوند

○ ماهیت و ویژگی های دوست داشتن (حب) (منبع: ترجمه المیزان، ج ۱، ص: ۶۱۸ تا ۶۲۱)

▪ حب عبارت است از تعلق و ارتباط وجودی بین محب و محبوب و یا به عبارتی انجذاب بین علت مکمل و یا شبیه به آن و بین معلول

مستکمل و یا شبیه به آن. چون حب عبارت از این است لذا ما افعال خود را دوست می داریم تا به وسیله آن استکمال کنیم. آنچه

را هم که متعلق به افعال ماست دوست می داریم تا آن را وسیله و ابزار کار خود کنیم (مثال استکمال اینکه، ما علم را که فعل مغزی

ما است دوست می داریم و به طفیل آن کتاب و مدرسه و استاد را هم دوست می داریم. مثال شبه استکمال اینکه ما خانه سازی را

برای رفع حاجت از خانه دوست می داریم و به طفیل آن یک دانه آجر را هم دوست داریم) و بالأخره غذا و همسر و مالی که در راه

تهیه آن دو صرف می کنیم و جاه و مقامی که با آن مال به دست می آوریم و منعمی که به ما احسان می کند و معلمی که ما را درس

می دهد و راهنمایی که ما را هدایت می کند و ناصری که ما را یاری می دهد و متعلم و شاگردی که نزد ما درس می خواند و خادمی

که ما را خدمت می کند و هر مطیعی که ما را اطاعت می کند و هر چیزی که در مقابل خواسته ما رام است، همه این ها را دوست می

داریم، چیزی که هست محبت ما در بعضی از اقسام آن طبیعی و در بعضی دیگر خیالی و موهوم و در بعضی دیگر عقلی است.



- محبت دارای مراتب مختلفی است و شدت و ضعف دارد چون رابطه ای است وجودی- و وجود خود حقیقتی است مشکک یعنی دارای مراتب- و معلوم است که آن رابطه وجودی که میان علت تامه با معلولش هست، با آن رابطه که میان علت ناقصه با معلولش هست یکسان و در یک مرتبه نیست، به همین حساب آن کمالی که به خاطر آن چیزی محبوب ما واقع می شود از جهت ضروری بودن و غیر ضروری بودن و نیز از جهت مادی بودن مانند تغذی و غیر مادی بودن مانند علم یکسان نیست و بلکه شدت و ضعف دارد. از اینجا بطلان آن سخن که می گفت: «محبت تنها به امور مادی متعلق می شود» روشن می گردد. بعضی ها آن قدر شورش کرده اند که گفته اند: «اصلاً برگشت تمامی محبت ها به محبت به غذا است و هر محبت دیگر را اگر تحلیل کنیم می بینیم از حبّ به غذا سردمی آورد». بعضی دیگر گفته اند: «ریشه و اصل در باب محبت، علاقه به وقاع است و محبت به غذا و هر علاقه دیگر از آن سردمی آورد».
- خدای سبحان از هر جهت که حساب کنیم، اهلّیت آن را دارد که دوستش بداریم. برای اینکه هستی او بذات خودش است نه عاریتی و کمال او غیر متناهی است درحالیکه هر کمالی دیگر متناهی و محدود است و متناهی وجودش متعلق است به غیر متناهی. این حبّی است ذاتی که محال است از بین برود. نیز خدای تعالی خالق ما است و بر ما انعام می کند، آن هم به نعمت هایی که غیر متناهی است، هم از نظر عدد و هم از نظر زمان، به همین جهت او را دوست می داریم همانطور که هر منعم دیگر را به خاطر انعامش دوست می داریم.
- حبّ از آنجا که گفتیم رابطه ای است وجودی- و هستی روابط وجودی خارج از وجود موضوعات خود و تنزلات آن نیست- لذا نتیجه می گیریم که هر چیزی ذات خود را دوست می دارد. چون در سابق گفتیم: «هر محبّی همه متعلقات محبوب خود را نیز دوست می دارد در نتیجه هر چیزی آثار وجودیش را هم دوست می دارد». از اینجا معلوم می شود که خدای سبحان به این جهت که خود را دوست می دارد، خلق خود را دوست می دارد و اگر خلق خود را دوست می دارد به این جهت است که انعام او را می پذیرند و باز اگر خلق خود را دوست می دارد به آن جهت است که هدایت او را می پذیرند.
- اگر می بینیم در مورد حبّ باید شعور و علم وجود داشته باشد، این لزوم بر حسب مصداق است (چون معمولاً کلمه (حبّ) را در موارد انسان ها به کار می بریم و می گوئیم: «مادر، فرزند خود را دوست می دارد». نمی گوئیم: «درخت آفتاب را دوست می دارد و خود را به سوی نور آن می کشد») وگرنه تعلق وجودی که حقیقت حبّ عبارت از آن است، از آن جهت که حبّ است، هیچ مشروط بر وجود علم و شعور نیست. از اینجا روشن می گردد که همه قوا و مبادی طبیعی حتی آن ها هم که علم و شعور ندارند آثار و افعال خود را دوست می دارند.
- از همه آنچه که گذشت نتیجه می گیریم که حبّ حقیقتی است که در تمامی موجودات عالم سریان و جریان دارد.

• امام حسین مظهر احسان خاص الهی است

○ یا قدیم الاحسان بحق الحسین

• لینک فایل صوتی سخنرانی

• [http://www.almenhaj.com/media/moharam/95/mon\\_moharram\\_1395.07.21\\_001.mp3](http://www.almenhaj.com/media/moharam/95/mon_moharram_1395.07.21_001.mp3)

• فایل ریز موضوعات و خلاصه سخنرانی

• [http://www.almenhaj.com/media/moharam/95/mon\\_moharram\\_1395.07.21\\_001.pdf](http://www.almenhaj.com/media/moharam/95/mon_moharram_1395.07.21_001.pdf)